اخبار

وزارت خارجه رژیم صهیونیستی مسافران کشتی مادلین را اخراج کرد

وزارت خارجه رژیم صهیونیستی اعلام کرد که مسافران کشتی «مادلین» ناوگان آزادی که حامل کمک‌های بشردوستانه به نوار غزه بود، خود را برای ترک اراضی اشغالی و بازگشت به کشورهای خود آماده می‌کنند.

به گزارش ایسنا، وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی روز سه‌شنبه در بیانیه‌ای در پلتفرم «X» اعلام کرد: مسافران کشتی مادلین برای ترک اسرائیل و بازگشت به کشورهای خود وارد فرودگاه بن گوریون شدند و انتظار می‌رود تا چند ساعت آینده تعدادی از مسافران این فرودگاه را ترک کنند.

طبق گزارش اسپوتنیک، در ادامه این بیانیه آمده است: کسانی که از امضای اوراق خروج خودداری کنند و اسرائیل را ترک کنند، طبق قوانین اسرائیل برای تایید خروجشان به مرجع قضایی معرفی می‌شوند.

صبح دوشنبه، نیروی دریایی رژیم صهیونیستی کشتی مادلین را توقیف و آن را به همراه ۱۲ سرنشین به سمت یک بندر اسرائیلی هدایت کرد.

وزارت خارجه رژیم صهیونیستی در این باره اعلام کرد که این کشتی عازم بندر اشدود شد و مسافران برای تضمین سلامت جانشان تحت معاینات پزشکی قرار گرفتند.

کشتی مادلین پس از توقیف توسط ارتش اشغالگر و ممانعت از رسیدن به غزه، شامگاه دوشنبه وارد بندر اشدود اسرائیل شد.

آسوشیتدپرس به نقل از مقامات اسرائیلی گزارش داده بود این فعالان قبل از اخراج از اسرائیل به یک بازداشتگاه منتقل خواهند شد.

کشتی‌های نیروی دریایی اسرائیل کشتی مادلین را به مدت تقریبی ۱۸ ساعت تا بندر اشدود اسکورت کردند. این در حالی است که این کشتی برای شکستن محاصره اسرائیل برای ساکنان نوار غزه کمک حمل می‌کرد.

حمله پلیس فرانسه به سمت شهروندان در پاریس

نیروهای پلیس فرانسه به سمت شهروندان این کشور که در یکی از میادین پاریس تجمع کرده بودند حمله کردند.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روسیا الیوم، رسانه‌های فرانسوی گزارش دادند که درگیری‌هایی میان معترضان به راهزنی دریایی رژیم صهیونیستی علیه کشتی مادلین و نیروهای پلیس فرانسه رخ داده است.

فعالان فرانسوی اعلام کردند که حین تجمع در یک میدان در پاریس برای نشان دادن اعتراض خود نسبت به بازداشت سرنشینان کشتی مادلین از جمله ریما حسن شهروند این کشور شاهد حمله نیروهای پلیس بوده‌اند.

یکی از فعالان فرانسوی به دلیل حمله پلیس این کشور بیهوش شد. این نیروی پلیس حین حمله به شهروند فرانسوی مذکور فریاد می‌زد: چرا به فلسطین نمی‌روی!

ساکنان شهر مارسی در جنوب فرانسه نیز با برگزاری راهپیمایی حمایت خود را از کشتی مادلین نشان دادند.

«کاروان پایداری» تونس به لیبی رسید

«کاروان پایداری» تونس بعد از عبور از جنوبی ترین نقطه این کشور وارد لیبی شد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از الجزیره، تعدادی از خودروهای کاروان پایداری که قصد شکستن محاصره نوار غزه را دارد و طی روز گذشته از تونس حرکت کرده است وارد لیبی شدند.

این خودروها از طریق گذرگاه رأس جدید واقع در مرزهای میان تونس و لیبی وارد این کشور شدند. کاروان مذکور طی ساعات شب گذشته وارد آخرین نقطه از جنوب تونس یعنی شهر بن قردان شده بودند و بعد از آن خود را به لیبی رساندند.

شرکت کنندگان در این کاروان اعلام کرده‌اند که حامل کمک‌های بشردوستانه نیستند و هدفشان مشارکت در روند شکستن محاصره نوار غزه است.

این کاروان زمینی که نخستین کاروان در نوع خود به شمار می‌رود شامل ده‌ها خودرو با مشارکت بیش از هزار و ۵۰۰ تن از کشورهای الجزایر، مراکش و موریتانی است.

کاروان مذکور قرار است طی دو روز آینده از طریق گذرگاه مصری السلوم وارد این کشور شود و در تاریخ ۱۵ ماه جاری خود را به گذرگاه رفح برساند.

لازم به ذکر است که رژیم صهیونیستی روز گذشته کشتی مادلین حامل ۱۲ فعال حامی فلسطین را ربود و سرنشینان آن را به بازداشتگاه منتقل کرد.

عضو کنگره آمریکا از تصمیم تازه الجولانی درباره اسرائیل خبر داد

عضو کنگره آمریکا از آمادگی الجولانی برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی خبر داد.

به گزارش خبرآنلاین،به نقل از المیادین، مارلین استاتسمن عضو کنگره آمریکا فاش کرد که ابومحمد الجولانی سرکرده تروریست‌های حاکم بر سوریه آمادگی خود را برای صلح با رژیم صهیونیستی و مذاکره در خصوص بلندی‌های جولان به شرط محافظت از اتحاد سوریه اعلام کرده است.

بنا بر گزارش مهر، این نماینده روز دوشنبه گفت که با الجولانی صحبت کرده و وی در این گفتگوها بر آمادگی خود برای حل و فصل سیاسی اختلافات با رژیم صهیونیستی از جمله موضوع بلندی‌های اشغالی جولان تاکید کرده است.

لازم به ذکر است که رژیم صهیونیستی بعد از سقوط نظام بشار اسد صدها نوبت مناطق مختلف سوریه را بمباران کرده و در جنوب این کشور به صورت گسترده پیشروی کرده است. این تجاوزات رژیم صهیونیستی با هیچ واکنش جدی از سوی رژیم تروریستی الجولانی رو به رو نشده است.

پشت پرده پیام‌های ضدونقیض واشنگتن به تهران

نسخه‌نویسی‌های جدید ترامپ برای توافق با ایران

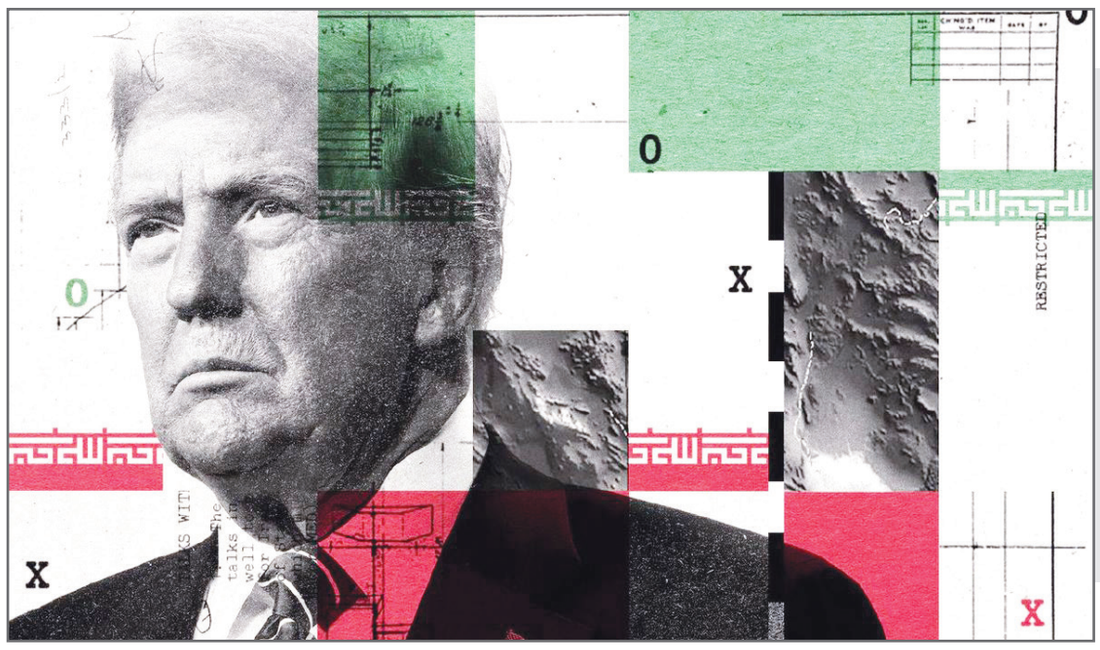

در نسخه جدید ریاست‌جمهوری ترامپ، نشانه‌هایی دیده می‌شود که او تمایل دارد آمریکا را از رویارویی مستقیم با ایران دور نگه دارد. حتی حرکت نیروهای آمریکایی در منطقه ممکن است بیش از نشان‌دهنده قدرت، به عنوان راهی برای دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک تلقی شود

اتحادملت - گروه بین‌الملل - عاطفه عبدالهی‌نژاد؛ انعطاف‌پذیری موجود در پیشنهاد ویتکاف در خصوص موضوع غنی‌سازی، نشان‌دهنده فشارهای متناقض حاکم بر سیاست‌های ترامپ است.

روز چهارشنبه خبرگزاری رویترز در تیتر خود نوشت: «تهران پیشنهاد هسته‌ای آمریکا را رد کرد و بر ادامه غنی‌سازی اورانیوم تعهد کرد.» این نوع خبررسانی ممکن است این تصور را تقویت کند که منطقه در آستانه یک رویارویی نظامی قرار دارد و مذاکرات میان واشنگتن و تهران متوقف شده است. با این حال، همین روز نیویورک تایمز گزارشی با عنوان «آمریکا پیشنهاد مرحله‌ای برای مذاکره درباره برنامه هسته‌ای ایران و غنی‌سازی محدود را مطرح کرد» منتشر کرد.

این دوگانگی در اخبار چند روز اخیر به کرات دیده شده است. هرچند این موضوع چندان هم شگفت‌آور نیست، چون طرف آمریکایی هنوز چشم‌انداز مشخص یا درک عمیقی از مسئله ندارد. رهبری توسط فردی همچون دونالد ترامپ، که شدیداً تحت تأثیر فشارها و صداهای متناقض در اطراف خود قرار دارد و از رویکردی منطقی یا پایدار بی‌بهره است، بر پیچیدگی‌ها افزوده است.

براساس گزارش وبسایت موندووایس، اما ایران موضعی مشخص اتخاذ کرده است؛ هرچند لحن برخی اظهارات آن گاهی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. ایران آماده نظارت گسترده آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، مشروط بر اینکه غنی‌سازی اورانیوم در سطوح پایین و برای اهداف غیرنظامی باقی بماند. آنها حاضر به توقف کامل غنی‌سازی نیستند و به‌درستی خواستار تعیین چارچوب زمانی و شرایط دقیق لغو تحریم‌هایی هستند که اقتصاد کشورشان را تحت فشار شدید قرار داده‌اند.

حتی تهران آمادگی خود را برای همکاری در شکل «کنسرسیوم منطقه‌ای» اعلام کرده است؛ مدلی که کشورهای عربی مانند عربستان و امارات را دستخوش همکاری با ایران برای تأمین نیازهای غیرنظامی نیروگاه‌های هسته‌ای تحت نظارت آمریکا می‌کند. این رویکرد همچنین فرصتی برای واشنگتن ایجاد می‌کند تا بر فرآیند غنی‌سازی نظارت بیشتری داشته باشد و نسبت به شفافیت آن اطمینان حاصل کند.

با وجود اینکه ترامپ بود که توافق هسته‌ای ایران را لغو کرد، ایران همچنان آمادگی خود برای ادامه همکاری در چارچوبی معقول را نشان داده است، توافقی که حتی تیم دولت قبلی آمریکا تأیید کرده بودند که تهران به آن پایبند بوده است. ایران آگاه است که با حسن نیت عمل کرده، درحالی‌که واشنگتن و غرب رویکرد متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. با این حال، تهران به اندازه کافی واقع‌بین است تا بداند چه اقداماتی برای دستیابی به یک توافق، هرچند نه کاملاً عادلانه، ضروری است.

تناقض و فشار در سیاست‌های آمریکا

واقع‌بینی و انسجام دو خصیصه‌ای هستند که در دولت ترامپ شدیداً کم‌رنگ‌اند. خروج ترامپ از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ به طور عمده حرکتی سیاسی علیه دستاورد برجسته دوران اوباما بود و آمریکا را وارد این وضعیت پیچیده کرد. اکنون، در دومین دور ریاست جمهوری خود، ترامپ با شرایطی روبرو است که احتمال وقوع جنگ بر سر همین ماجرا افزایش یافته است؛ وضعیتی که نتیجه عملکرد بی‌اندازه حساب‌نشده او و تعلل بایدن در جبران خسارات وارده توسط دولت پیشین شکل گرفته است.

هرچند سیاست خارجی ترامپ، برخلاف ادعای برخی تحلیلگران، هرگز واقعاً «انزواطلبانه» نبوده، جریانی موسوم به «اول آمریکا» تفکر متفاوتی در این دولت داشته است. این جناح با هدایت جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور، نقش مؤثری ایفا کرده است.

ترامپ همیشه بخشی از موفقیت‌های سیاست خارجی خود را مدیون مواضع ضدجنگ قلمداد کرده، اما رویکردهای بی‌پروا و گاه تنش‌آفرین او بارها این برداشت را مخدوش ساخته‌اند. یکی از نمونه‌های برجسته رفتار ضدونقیض او به ماجرای ترور قاسم سلیمانی بازمی‌گردد، که جهان را به لبه بحران کشاند. در نسخه جدید ریاست‌جمهوری ترامپ، نشانه‌هایی دیده می‌شود که او تمایل دارد آمریکا را از رویارویی مستقیم با ایران دور نگه دارد. حتی حرکت نیروهای آمریکایی در منطقه ممکن است بیش از نشان‌دهنده قدرت، به عنوان راهی برای دستیابی به یک راه‌حل دیپلماتیک تلقی شود. این وضعیت شباهت زیادی به رویکرد ایران در غنی‌سازی بیش از نیاز مصارف غیرنظامی دارد؛ هم به‌عنوان اهرم فشار و هم آماده بودن برای احتمال ناکامی مذاکرات. حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس و اقیانوس هند در ماه‌های اخیر می‌تواند و شاید باید از این زاویه بررسی شود.

ترامپ موفق شده برنامه‌های اسرائیل برای شعله‌ور کردن جنگی بزرگ‌تر در منطقه را متوقف کند و بسیاری از عناصر تندرو که علیه ایران هستند، شامل طرفداران سرسخت اسرائیل را از کابینه خود خارج کند. اما در سوی دیگر، دولت او پیام‌های متناقضی درباره مسائل کلیدی به ایران ارسال کرده است.

ایران حاضر نیست حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای خود را کنار بگذارد، حقی که به عنوان یک امضاکننده پیمان عدم انتشار هسته‌ای (NPT) دارد. گرچه این پیمان به وضوح حق غنی‌سازی اورانیوم را تضمین نمی‌کند، اما ایران این حق را به استفاده از انرژی هسته‌ای غیرنظامی تعبیر می‌کند، چراکه کنترل غنی‌سازی برای هر برنامه غیرنظامی هسته‌ای ضروری است تا تحت نفوذ قدرت‌های خارجی، به‌ویژه آمریکا، قرار نگیرد. با توجه به تجربیاتی که ایران در چهار دهه اخیر کسب کرده، پذیرش چنین شرایطی منطقی به نظر نمی‌رسد.

دولت ترامپ بین پذیرفتن نقش نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر غنی‌سازی ایران برای مصارف غیرنظامی و اصرار بر ممنوعیت کامل غنی‌سازی در حال نوسان است. موضع دوم برای ایران قابل قبول نیست و همه طرفین این را نقطه‌ای حساس می‌دانند.

اگر ترامپ بر غنی‌سازی صفر پافشاری کند، همانطور که تندروهای باقی‌مانده در کابینه او و اسرائیل خواهان آن هستند، امکان دستیابی به توافقی عملی نخواهد بود. اما به نظر نمی‌رسد که چنین مسیری انتخاب شود.

در حالی که مذاکره‌کننده ارشد، استیو ویتکاف، و وزیر امور خارجه، مارکو روبیو، علناً به ایستادگی بر موضع غنی‌سازی صفر تاکید کرده‌اند، اخیراً پیشنهادی ارائه داده‌اند که شامل ایجاد کنسرسیوم منطقه‌ای و اجازه موقت برای غنی‌سازی اورانیوم جهت استفاده غیرنظامی برای چند سال می‌شود. هرچند این طرح کاملاً با شرایط ایران سازگار نیست، اما مانع ادامه مذاکرات نمی‌شود.

انعطاف موجود در پیشنهاد مرتبط با مسئله غنی‌سازی نشان‌دهنده فشارهای متناوبی است که ترامپ با آن مواجه است. او نمی‌تواند خواسته‌های تندروهای باقی‌مانده را کاملاً نادیده بگیرد، حداقل تا حدی به دلیل اینکه هنوز ایران را تهدیدی می‌بیند که باید جدی گرفته شود.

اما ترجیح ترامپ واضح است؛ او علاقه دارد که یک توافق حاصل شود تا از وقوع جنگ جلوگیری شود. اگر بتوان بر سر مسئله غنی‌سازی به توافق رسید، فرصت پرداختن به موضوعات دیگر نیز فراهم می‌شود؛ روندی که هم منطقی هم محتمل به نظر می‌آید، زیرا اکنون صحبت از توافق موقتی برای کاهش تنش‌ها و بررسی راه‌حل دائمی است. این مسیر شبیه رویکردی است که اوباما بیش از یک دهه پیش اتخاذ کرد.

با این حال، مسئله غنی‌سازی تنها چالش نیست. پس از رسیدن به توافق موقت یا دائمی در این خصوص، موضوع لغو تحریم‌ها مطرح خواهد شد. هنوز بحث چندانی درباره آن صورت نگرفته و روشن نیست که چقدر می‌تواند پیچیده باشد. پیش‌بینی ناپذیری ترامپ نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد، خصوصاً اگر توافق موقت مرحله بعدی باشد. آیا ترامپ حاضر خواهد بود در قبال یک توافق موقت، لغو قابل توجه اما نه کامل تحریم‌ها را بپذیرد؟

رهبری مواضع تند توسط شومر

اوایل هفته گذشته، چاک شومر، رهبر اقلیت دموکرات‌های سنا، ویدیویی منتشر کرد که در آن به انتقاد از سیاست‌های ترامپ در رابطه با ایران پرداخت. او رئیس‌جمهور پیشین را متهم کرد به اینکه در مقابل ایران «عقب‌نشینی کرده است.»

این اظهارات، حرکتی آشکار برای تضعیف دیپلماسی در حال شکل‌گیری میان ایالات متحده و ایران بود. شومر که پیش‌تر نیز با برجام و سیاست‌های اوباما در سال ۲۰۱۵ به مخالفت برخاسته بود، همچنان بر موضع خود باقی است. او با عملکرد خود تلاش‌هایی را که می‌توانست به توافقی دیپلماتیک منجر شود، به خطر انداخت. هرچند وابستگی شومر به حمایت لابی اسرائیل شناخته شده است، اما در اینجا مسئله‌ای عمیق‌تر و سیاسی‌تر مطرح است.

شومر با اظهارات اخیر خود ظاهراً قصد داشت تلاش‌های دیپلماتیک ترامپ را خدشه‌دار کند، اما این کار را با روشی ضعیف انجام داد. او به جای پرداختن به ارزشی که یک توافق می‌تواند در کاهش تنش‌ها و جلوگیری از جنگی فاجعه‌بار در خاورمیانه داشته باشد، انتقاد خود را بر این موضوع متمرکز کرد که ترامپ بی‌سر و صدا توافقی جانبی با ایران ایجاد کرده است. جور کردن چنین استدلالی، شباهت زیادی به ادعاهای مطرح‌شده توسط جمهوری‌خواهان در سال ۲۰۱۵ دارد. آن زمان نیز اوباما برای اتخاذ توافقی جانبی در کنار توافق اصلی هسته‌ای با انتقاداتی مشابه مواجه بود. اما آن توافق، چارچوبی شفاف برای حل اختلافات باقی‌مانده و بخشی از فرآیند کلی دیپلماتیک بود.

در شرایط فعلی اما وضعیت کاملاً متفاوت است. مذاکرات کنونی میان ایالات متحده و ایران بر سر اصول اولیه یک توافق و جزئیات تکمیل آن در جریان است. این گفتگوها، که ذاتاً نیازمند محرمانگی هستند، مرحله‌ای ابتدایی محسوب می‌شوند. شومر این نکته را کاملاً می‌داند و با این حال، اقدام به حملاتی کرده که بیشتر ناشی از نیت سیاسی به نظر می‌رسد تا نگرانی اصولی.

خوشبختانه واکنش‌ها به اظهارات شومر چندان گسترده نبوده‌اند. به جز چند صدای پراکنده مانند جان فترمن که مواضعی سطحی و متناقض ارائه کرده بود، دموکرات‌های دیگر چندان حامی حرف‌های او نبوده‌اند. البته باید این رویکرد شومر را با دقت زیر نظر گرفت. چراکه حزب دموکرات در موقعیتی نه‌چندان قوی قرار دارد و هنوز نتوانسته راهبردی موثر برای برتری سیاسی پیدا کند. در عوض، برخی از آنها از جناح راست و با استدلال‌هایی مشابه رقبای جمهوری‌خواه وارد میدان شده‌اند.

با این حال، این تاکتیک احتمالاً نتیجه‌ای معکوس خواهد داشت. اکثریت مردم آمریکا تمایل دارند تنش‌ها با ایران از راه دیپلماسی حل شود و هرگونه انحراف از این مسیر می‌تواند حمایت عمومی را کاهش دهد. متأسفانه دموکرات‌ها، خصوصاً در موضوعاتی که حساسیت بیشتری برای اسرائیل دارند، بارها نشان داده‌اند که در انتخاب راهبردهای سیاسی دچار کوتاه‌بینی می‌شوند. چنین اشتباهاتی شاید نه تنها فرصت اصلاح سیاست را از دست بدهد، بلکه به خسارتی عمیق‌تر و گسترده‌تر نیز بینجامد.

همدستی نهادهای اطلاعاتی انگلیس با سیا در شکنجه مظنونان حمله ۱۱ سپتامبر

گاردین نوشت: تلاش‌چند دهه‌ای دولت انگلیس برای پنهان نگه داشتن جزئیات مشارکت سازمان‌های اطلاعاتی این کشور در برنامه شکنجه سازمان سیا علیه مظنونان حمله ۱۱ سپتامبر، با طرح دو پرونده در یک دادگاه مخفی، با چالشی «بی‌سابقه» روبرو است.

به گزارش ایرنا، گاردین نوشت: این دو پرونده که توسط دو زندانی زندان بدنام گوانتانامو ثبت شده‌اند، در یک محاکمه نادر چهار روزه در «دادگاه قدرت‌های تحقیقاتی» (IPT) رسیدگی خواهند شد. این دادگاه تاکنون ادعاهایی مبنی بر همدستی سازمان‌های اطلاعاتی انگلیس در بدرفتاری با این زندانیان را بررسی کرده است.

این محاکمه که از روز سه‌شنبه آغاز خواهد شد، بار دیگر توجهات را به یکی از تاریک‌ترین فصل‌های فعالیت‌های اطلاعاتی انگلیس جلب خواهد کرد و پرسش‌های قدیمی را درباره میزان دخالت لندن در آدم‌ربایی و بازداشت مظنونان تروریسم توسط سیا در شبکه‌ای جهانی از زندان‌های مخوف معروف به «سایت‌های سیاه» زنده خواهد کرد.

این جلسات استماع شش سال پس از آن آغاز می‌شوند که وزیران انگلیسی، تحقیقات قضایی درباره اتهامات همدستی این کشور را کنار گذاشتند؛ تحقیقاتی که دیوید کامرون، نخست‌وزیر وقت انگلیس بر ضرورت آن تاکید کرده بود. کامرون می گفت، هرچه این پرسش‌ها بی‌پاسخ بمانند، لکه ننگی بزرگ‌تر بر اعتبار کشور ما خواهد بود. ادعاهای مطرح شده در دادگاه توسط مصطفی الهوساوی، فردی که از سوی ایالات متحده به کمک به هواپیماربایان حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر متهم شده است، و عبدالرحیم النشیری، که گفته می‌شود طراح توطئه بمب‌گذاری القاعده در یک کشتی نیروی دریایی آمریکا در سال ۲۰۰۰ است، مطرح شده است. این دو نفر در اوایل دهه ۲۰۰۰ توسط سازمان سیا دستگیر و به مکان‌های سیاه و مخوف منتقل شدند، جایی که به طور نظام مند مورد شکنجه و رفتارهای وحشیانه و تحقیرآمیز قرار گرفتند. وکلای آنها به دادگاه قدرت های تحقیقاتی گفته اند که شواهد معتبری وجود دارد که نشان می‌دهد سازمان‌های جاسوسی انگلیس، از جمله ام ای ۵ و ام ای ۶ با «کمک، تشویق، ترغیب، تسهیل و یا توطئه» به طور غیرقانونی در شکنجه و بدرفتاری با آمریکا نقش داشته اند.

دادگاه IPT طی دو سال گذشته به صورت مخفیانه در حال بررسی ادعاهای این دو بوده است. این دادگاه که توسط یک قاضی ارشد اداره می‌شود، دادگاهی غیرمتعارف است که ضمن انجام تحقیقات، از اختیارات منحصر به فردی برای به دست آوردن اطلاعات طبقه‌بندی شده از سازمان‌های اطلاعاتی برخوردار است.

افشای گفتگوی بایدن با پوتین درباره آینده روسیه

وزیر خارجه روسیه جزئیات گفتگوی پوتین و بایدن درباره سرنوشت روسیه را فاش کرد.

باشگاه خبرنگاران جوان ؛ سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، جزئیات گفتگوی بین ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه و جو بایدن در سال ۲۰۲۱ درباره آینده روسیه را آشکار کرد که با مواضع بعدی کاخ سفید در تناقض آشکار است. لاوروف در سخنرانی خود در مجمع آینده ۲۰۵۰ اعلام کرد که بایدن در آن زمان صراحتاً به پوتین تأکید کرده بود که آمریکا قصد تضعیف یکپارچگی روسیه را ندارد. وزیر امور خارجه روسیه گفت: «بایدن در گفتگوی خود با پوتین در ژنو (۲۰۲۱) تصریح کرد که آمریکا همواره به تاریخ، فرهنگ، مذهب و سنت‌های اقوام مختلف تشکیل‌دهنده روسیه احترام گذاشته است.» لاوروف ادامه داد: «این یک ساختار دولتی کاملاً متفاوت و از نظر تمدنی منحصربه‌فرد است. ما نمی‌خواهیم کسی این یکپارچگی و وحدت را تضعیف کند.» وزیر امور خارجه روسیه خاطرنشان کرد که این اظهارات بایدن با مواضع بعدی او که شامل تهدید به «شکست استراتژیک روسیه» بود، در تضاد آشکار قرار دارد. لاوروف در ادامه درباره امکان گفتگوی مجدد مسکو و واشنگتن گفت: «چنین گفتگویی کاملاً ممکن است، اما تنها در صورتی که منافع روسیه محترم شمرده شود.» وی اشاره کرد که اگرچه تمایلاتی از سوی دولت دونالد ترامپ برای ازسرگیری گفت‌وگوها مشاهده می‌شود، اما شرط اصلی روسیه حفظ حاکمیت و منافع ملی است.

این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شود که تنش‌های روسیه و غرب به بالاترین سطح خود پس از جنگ اوکراین رسیده است.